

تحلیل تفاوت‌ها در نگرش به موانع کارآفرینی با توجه به مؤلفه‌های

زمینه‌ای در میان دانشجویان کشور

اسدالله کردناهیچ*
اسماعیل شاه‌طهماسبی**
سارا شمس‌الهی***

*دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران

**دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران

***کارشناس ارشد، مدیریت بازرگانی بین‌الملل، مرکز امور پژوهش و آموزش، بانک توسعه صادرات ایران، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۳

چکیده

کارآفرینان در خلأ عمل نمی‌کنند، آن‌ها به محیط‌های کارآفرینی که آنان را احاطه کرده است واکنش نشان می‌دهند. با توجه به رویکرد محیطی، هدف تحقیق حاضر تحلیل تفاوت جایگاه موانع از نگاه دانشجویان با شاخص‌های زمینه‌ای متفاوت است. پرسشنامه با لحاظ کردن ۲۵ مانع استخراجی از ادبیات طراحی شده است. روایی محتوایی پرسشنامه بصورت صوری و پایایی آن با رقم ۸۷/۸۷ مورد تأیید قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق، کل دانشجویان کشور بوده است که پرسشنامه بین ۲۵۰۰ دانشجویان و با روش خوشه بندی بین دانشجویان استان‌های تهران، اصفهان، یزد و زنجان تقسیم گردید. از نظر تعداد و شدت تغییر پذیری در رتبه‌ها، نتایج نشان داد در جنسیت تفاوت بسیار زیادی بین مردان و زنان وجود ندارد، اما در بین قومیت‌ها؛ لرها، در میزان تحصیلات؛ دانشجویان دکتری، در بین دانشگاه‌ها؛ غیرانتفاعی‌ها و برای شغل پدر و نوع رشته؛ پدران با شغل دولتی و دانشجویان هنر تفاوت زیادی در رتبه‌بندی خود نسبت به بقیه در گروه مورد نظر دارند. در مورد بیش‌ترین میزان تغییرپذیری در موانع، می‌توان به موانعی چون؛ فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی، محافظه‌کاری بالا، دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی و وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر (بورس، بانک‌ها و مسکن، طلا و...) اشاره کرد. در مجموع، همه این تغییرات و تفاوت‌ها نشان از مفید بودن استفاده از رویکردهای زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دارد.

واژه‌های کلیدی: موانع کارآفرینی، مؤلفه‌های زمینه‌ای، دانشجویان.

مقدمه

می‌کند (شن و ونکاتارامن^۱، ۲۰۰۰). علاوه بر این اهمیت که در برای کارآفرینی وجود دارد، باید گفت کارآفرینان در خلأ عمل نمی‌کنند، آن‌ها به محیط‌های کارآفرینی که آنان را احاطه کرده است واکنش نشان می‌دهند (پیترز و واترمن^۲، ۱۹۸۲). حال محیط‌های کارآفرینی نیز به عنوان عواملی که

مطالعه سازمان GEM حاکی از آن است که تفاوت نرخ رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته ناشی از تفاوت سطح کارآفرینی آن‌ها است (سلجوقی، ۱۳۸۸). کارآفرینی به دلایل گوناگون یک جزء حیاتی در پروسه رشد و توسعه اقتصادی، تلقی می‌شود. این مکانیزمی است که از طریق آن جامعه اطلاعات تکنولوژیکی را به محصولات و خدمات، تبدیل

1. Shane & Venkataraman
2. Peters & Waterman

گسترده در سراسر کشور و با نگاهی به نقش تفاوت‌های زمینه‌ای دانشجویان در این رتبه‌بندی انجام نشده است و دانشجویان با هر خصوصیتی به صورت یکسان تحلیل شده‌اند. به همین دلیل نیاز است برای تصمیم‌گیری بهتر که می‌تواند بر اساس تفاوت‌های نگرشی باشد، تحقیقاتی منسجم و گسترده انجام گیرد. چرا که باید پذیرفت نمی‌توان با یک راهکار همه مشکلات را برطرف کرد و باید پذیرفت که نگاه افراد به موانع در هر دسته‌بندی متفاوت است. با توجه به اهمیت محیط در کارآفرینی و وجود این مسئله، در این مقاله سعی شده است مبحث موانع کارآفرینی در بین دانشجویان که رویکرد کارآفرینی آن‌ها بیش‌تر حالت قصد دارد، مورد بررسی قرار گیرند و نگاه آن‌ها به موانع و اولویت‌بندی آن در ابعاد مختلف جمعیت شناختی همچون؛ فردی، دانشگاهی و خانوادگی بررسی شود. از نگاه دیگر این تحقیق بیش‌تر به دنبال پاسخ به این سوال است که «تفاوت نگاه دانشجویان از دریچه مؤلفه‌های شخصی، خانوادگی و دانشگاهی در مورد موانع موجود برای کارآفرینی چیست». برای این منظور بعد از اشاره به مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق، نگرش به موانع و تفاوت در بین دانشجویان بر اساس شاخص‌های کنترلی مورد نظر، تحلیل می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

طبقه‌بندی‌های مختلفی در ارتباط با فضای کارآفرینی موجود است. یکی از این طبقه‌بندی‌ها تقسیم این فضا به دو رویکرد؛ درون به برون و رویکرد برون به درون است. رویکرد درون به برون^۵ جریانی از مطالعات است که تمرکز آن بر ویژگی‌های شخصی کارآفرینان برای فهم کارآفرینی است. از سوی دیگر، رویکرد برون به درون^۶ سعی دارد کارآفرینی را بوسیله محیط‌های زمینه‌ای توصیف نماید. نگرش‌های پژوهش‌های مختلف کارآفرینی دارای چندین عنوان دو بخشی دیگر نیز است: عرضه‌گرا^۷ و تقاضاگرا^۸ (تورنتون، ۱۹۹۹)، و فرایندهای درون‌زاد^۹ و برون‌زاد^{۱۰} (کارول و

در توسعه کارآفرینی در مناطق معین دارای اهمیت هستند تعریف شده است (نیوالی و فوگل^۳، ۱۹۹۴). محیط کسب و کار در یک تعریف کلی مجموعه عواملی است که به عملکرد بنگاه تأثیر می‌گذارد اما مدیر نمی‌تواند آن را به سهولت تغییر دهد (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۴). فعالیت کارآفرینانه و محیط آن به طور متقابل بر هم اثر گذارند. در واقع با وجود چالش‌های محیطی در سیستم‌های اقتصادی، این کارآفرینان هستند که در شکستن موانع و حل مشکلات محیطی و موانع بازار نقش ایفا می‌کنند (مکمولن و دین^۴، ۲۰۰۷). لازمه گرایش و تلاش برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید و کوچک و فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم بودن زمینه‌های قانونی، فرهنگی و اقتصادی در کشور است. شواهد موجود و بررسی‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که قوانین و مقررات دولتی نه تنها زمینه‌های مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینی را فراهم نکرده است بلکه این قوانین و مقررات به عنوان مانعی جهت رشد کارآفرینی و در نتیجه، عدم رشد و توسعه اقتصادی عمل کرده است (زالی و رضوی، ۱۳۸۷). به عنوان مثال در کشور ایران تنها ۱۰ درصد از کارآفرینان، موفق به شروع کسب و کار جدید می‌شوند و ۹۰ درصد بعدی در مرحله راه‌اندازی متوقف می‌شوند (شفیعی، ۱۳۸۲). این در حالی است که در کشوری دیگر با وجود تشویق دولت و ارائه تسهیلات مناسب، وجود فرهنگ ریسک‌گریزی در بین مردم آن کشور، مانعی مهم برای کارآفرینی در آن کشور به حساب می‌آید. همانطور که دیده می‌شود فعالیت کارآفرینانه و محیط آن به طور متقابل و گسترده بر هم اثر می‌گذارند و از طرفی نگاه به موانع محیطی در زمینه کارآفرینی از اهمیت بالایی در مجموعه تحقیقات مرتبط دارد، چرا که بررسی دوره‌ای آن می‌تواند راهکارها و نشانه‌هایی را در اختیار سیاستگذاران قرار دهد که منجر به تصمیم‌گیری بهتر برای رونق کارآفرینی و در نتیجه توسعه اقتصادی باشد. البته در سال‌های اخیر بررسی‌های مختلفی برای مبحث موانع کارآفرینی در کشور و بخصوص در بین دانشجویان - چرا که یکی از گروه‌های بسیار مهم در زمینه کارآفرینی دانشجویان هستند - انجام شده است، ولی بررسی

5. Inside-Out

6. Outside-In

7. supply-side

8. demand-side

9. endogenous

3. Gnyawali & Fogel

4. McMullen & Dean,

محیط‌های کارآفرینی را می‌توان به پنج گروه عمده زیر دسته‌بندی نمود: سیاست‌ها و رویه‌های دولتی^{۱۵}، شرایط اجتماعی-اقتصادی^{۱۶}، مهارت‌های کارآفرینی و کسب و کار^{۱۷}، مساعدت مالی^{۱۸} و مساعدت غیرمالی^{۱۹} (نیاوالی و فوگل، ۱۹۹۴). جدول (۱) دسته‌بندی‌های فرعی پنج عامل محیطی کارآفرینی را نشان می‌دهد.

همچنین نیاوالی و فوگل (۱۹۹۴) محققینی هستند که تحقیقات جامعی راجع به محیط کارآفرینانه انجام داده و به بررسی ادبیات موجود محیط کارآفرینانه و نقد آن پرداخته‌اند. به نظر آن‌ها نقص‌های ادبیات محیط کارآفرینانه عبارتند از: فقدان یک چارچوب مفهومی برای ادغام ادبیات موجود، فقدان روابط روشن بین نیازهای کارآفرینان و ابعاد محیط، فقدان خطوط راهنمایی‌های پیشبرد تحقیق تجربی برای محیط کارآفرینانه و عدم توجه به نیازهای سیاست‌گذاران با وجود درک نقش مهم آن‌ها در این موضوع. با توجه به اینکه تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای مؤلفه‌های موجود بر سر راه کارآفرینی وجود دارد، جدول (۲) به خلاصه‌ای از این تحقیق‌ها و مؤلفه‌ها در داخل و خارج اشاره می‌کند.

در تحلیل پیشینه موجود در این زمینه می‌توان گفت، تحقیقات موجود در مبحث موانع کارآفرینی - بخصوص در مبحث دانشجویان - از نظر گستردگی، کاربردی بودن و همچنین توجه به تقسیم‌بندی و تفاوت‌های زمینه‌ای دانشجویان و نقش آن در اهمیت یافتن برخی موانع و کم‌اهمیت شدن برخی دیگر، بسیار ضعیف است. این موارد از نکاتی است که برای تحلیل آن در این تحقیق تلاش شده است..

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق دانشجویان کل کشور بوده‌اند. تعداد نمونه با توجه به

کسینا،^{۱۱} (۲۰۰۵). واقعیت آشکار این است که ایجاد یک سرمایه‌گذاری جدید، فعالیت‌ی متکی بر قصد و نیت قبلی شخص کارآفرین است، اما کارآفرین بدون وجود یک زیرساخت نمی‌تواند پیشرفت نماید (تورنتون^{۱۲}، ۱۹۹۹). در بسیاری از مدل‌ها، عوامل زمینه‌ای چون فردی و محیطی را در ایجاد قصد مؤثر می‌دانند. در مورد ابعاد محیطی و نقش آن در کارآفرینی و ماهیت‌های گوناگون آن تحقیقات مختلف موارد مختلفی مورد بررسی و تأکید قرار گرفته. در پژوهشی محیط کارآفرینانه به سه بخش تقسیم شده است: دولت، جامعه و بازار (ژون^{۱۳}، ۲۰۰۷). علاوه بر این، محیط کارآفرینانه عموماً به دو بخش محیط عمومی و محیط اختصاصی قابل تقسیم‌بندی است. محیط عمومی از سه مؤلفه هنجاری، ادراکی و اداری تشکیل شده است. منظور از مؤلفه هنجاری عمدتاً فرهنگ ملی و نظام ارزشی - رفتاری مسلط است. مؤلفه ادراکی، متوسط دانش عمومی از تأسیس و راهبری کسب و کار است و مؤلفه اداری، ساختار اداری و نظام قوانین ناظر بر تأسیس و راهبری کسب و کار است. در یک جمع‌بندی، محیط عمومی شامل فرهنگ، سیستم آموزشی، نظام اداری و حقوقی است. منظور از محیط اختصاصی مجموعه مناسبات کارآفرین با افراد و نهادهای پیرامونی است. به عبارت دیگر شبکه اجتماعی پیرامون کارآفرین، محیط نزدیک وی را ساخته و از این طریق بر اثرات محیط عمومی نقش میانجی و تعدیل‌کننده را دارد. شین^{۱۴} (۲۰۰۳) محیط نهاد کارآفرینی را شامل محیط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی می‌داند. محیط اقتصادی شامل ثروت، پایداری اقتصادی، دسترسی به سرمایه و مالیات است. محیط سیاسی به عوامل آزادی سیاسی، سیستم حقوق مالکیت و تمرکز قدرت مربوط می‌شود و محیط فرهنگی - اجتماعی شامل درجه مطلوبیت فعالیت کارآفرینانه میان اعضای جامعه، تعداد افرادی که مدل‌های نقش کارآفرین هستند و باورهایی که فعالیت‌های کارآفرینانه را تشویق یا رد می‌کنند، می‌شود. در کل

15. Government policies and procedures
16. socioeconomic conditions
17. entrepreneurial and business skills
18. financial assistance
19. non-financial assistance

10. exogenous
11. Carroll & Khessina
12. Thornton
13. Zhon
14. Shane

جدول ۱. چارچوبی برای محیط های کار آفرینی (نیاوالی و فوگل، ۱۹۹۴).

سیاست‌ها و رویه‌های دولتی	شرایط اجتماعی اقتصادی	مهارت‌های کار آفرینی و کسب و کار	مساعدهت مالی	مساعدهت غیر مالی
<ul style="list-style-type: none"> • محدودیت‌های واردات و صادرات • مقرر داشتن قوانین ورشکستگی • موانع ورود • رویه‌های ضروری برای ثبت نام و صدور مجوز • تعداد مؤسساتی که قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت‌های کار آفرینی را به کار آفرینان گزارش می‌دهند • قوانین حمایت از حقوق مالکیت 	<ul style="list-style-type: none"> • نگرش عمومی به کار آفرینی • حضور کار آفرینان مجرب • وجود الگوهای نقش موفق • وجود اشخاصی با ویژگی‌های کار آفرینی • شناخت عملکرد نمونه کار آفرینی • نسبت شرکت‌های کوچک به جامعه شرکت‌ها • نوع فعالیت‌های اقتصادی • میزان رشد اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> • آموزش فنی و حرفه‌ای • آموزش کسب و کار • برنامه‌های آموزش کار آفرینی • برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای • در دسترس بودن اطلاعات 	<ul style="list-style-type: none"> • ریسک سرمایه • منابع جایگزین مالی • وام‌های کم بهره • تمایل مؤسسات مالی برای تأمین مالی کار آفرینان خرد • برنامه‌های تأمین اعتبار برای شرکت‌های نوپا • رقابت در میان مؤسسات مالی 	<ul style="list-style-type: none"> • مشاوره و خدمات پشتیبانی • شبکه‌های کار آفرینی • تسهیلات مراکز رشد • برنامه‌های دولت در زمینه تدارک کسب و کارهای کوچک • حمایت دولت از تحقیق و توسعه • مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی • شبکه‌های اطلاعات محلی و بین المللی • امکانات حمل و نقل و ارتباطی مدرن

جدول ۲. خلاصه‌ای از تحقیقات گذشته در مورد ابعاد موانع کار آفرینی و شاخص‌های مورد استفاده

محققان	متغیرهای تحقیق
فینرتی و کرزیستوفیک ^{۲۰} (۱۹۸۵)	پتانسیل بازار، تأمین مالی، دریافت پاداش، احساس رضایت، مالیات، امنیت شغلی فعلی
ترپسترا و اولسون (۱۹۹۳)	فروش و بازاریابی، مالی خارجی، مالی داخلی، مدیریت عمومی، مدیریت منابع انسانی، توسعه محصول، مدیریت تولید، محیط اقتصادی، محیط قانونی
ون اوکن ^{۲۱} (۱۹۹۹)	نبود پول، نبود زمان، ریسک زیاد، تأثیر بر سبک زندگی، پیچیدگی، نبود دانش و مهارت، ناکارآمد بودن کسب و کار
رابرتسون ^{۲۲} و دیگران (۲۰۰۳)	موانع مالی، انگیزش، نبود ایده، نبود مهارت
مارتینز ^{۲۳} (۲۰۰۴)	موانع اصلاحی و تعدیلی، موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع مالی و اقتصادی
بیتزنیس و نیتو ^{۲۴} (۲۰۰۵)	رقابت ناعادلانه، کمبود منابع مالی، نبود نظم اجتماعی، تغییرات مداوم قوانین مالیاتی، بحران انرژی
بارت، یاگو و زیدمن (۲۰۰۶)	محدودیت‌های کارکنان، محدودیت‌های مالی، محدودیت‌های قانونی، محدودیت‌های مالیاتی
اولفونسو ^{۲۵} (۲۰۱۰)	سرمایه، ریسک، حمایت، مهارت، محیط اقتصادی کلان
کاتونو و همکاران (۲۰۱۲)	محیط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی
زالی و رضوی (۱۳۸۷)	خطرپذیری مالی، عدم دستیابی به منابع مالی، موانع اداری، مخاطرات اجتماعی، فساد اداری، نبود مهارت، رقابت شدید، تقاضای بازار، جنسیت، ترس از شکست، کار زیاد
امیری، زالی و مجد (۱۳۸۸)	نگرشی و فرهنگی، مالی، آموزشی، بازار و محیط کار، شخصی، حمایتی و زیربنایی، قانونی و اداری
رضوی و همکاران (۱۳۹۱)	حمایتی - قانونی، فردی، آموزشی، تسهیلاتی، ارتباطی
انصاری و فکور (۱۳۹۲)	عوامل ضدانگیزشی

20. Finnerty & Krzystofik

21. Van Auken

22. Robertson

23. Martins

24. Yart. & Yago & Zeidman

25. Olufunso

جدول ۳. امار توصیفی تحقیق

شهر	درصد	جنسیت	درصد	رشته	درصد	سن	درصد	قومیت	درصد
تهران	۴۵.۵	زن	۴۸.۳	ع.انسانی	۴۴.۴	کم‌تر ۳۰	۹۱	فارس	۵۸.۶
اصفهان	۲۵.۵	مرد	۵۱.۳	فنی.م	۲۷.۷	بالای ۳۰	۹	ترک	۲۱.۸
یزد	۱۵.۸	مقطع	درصد	پزشکی	۸.۹	دانشگاه	درصد	لر	۹.۹
زنجان	۱۲.۷	لیسانس	۶۳.۰	ع.پایه	۱۱.۹	آزاد	۲۴.۳	کرد	۴.۲
تاهل	درصد	فوق لیسانس	۲۵.۰	هنر	۵.۸	سراسری	۳۶.۷	ترکمن	۱.۳
متاهل	۳۸.۴	دکتری	۱۰.۴			غیرانتفاعی	۱۵.۹	بلوچ	.۹
مجرد	۶۰					پیام نور	۱۳.۵	عرب	.۸
						علمی- کاربردی	۷.۱		

قومیتی و خانواده مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه- شامل عوامل دموگرافیک و موانع کارآفرینی- با در نظر گرفتن رویکردهای مختلفی که در بخش مبانی نظری به آن اشاره شد و از بررسی مقالات مختلف تدوین شده است. که برای جلوگیری از همپوشانی سوالات، مقاله واسو و همکاران (۲۰۱۳) محور قرار گرفته و بقیه موانع جدید بر اساس دسته‌بندی مؤلفه‌های موجود در مقاله رفرنس، به آن اضافه شده است. روایی محتوایی پرسشنامه به صورت صوری و با توجه به عوامل مد نظر محققین و با استفاده از نظر خبرگان دانشگاهی تأیید گردید. برای اندازه‌گیری پایایی ابزار سنجش برای ۲۵ سوال از موانع کارآفرینی از توزیع ۳۰۰ پرسشنامه و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۱۵ بدست آمده است که در پایان نیز بعد از دریافت تمام پرسشنامه‌ها این عدد ۰/۸۷ استخراج شد که عدد بسیار خوبی برای پایایی ابزار سنجش محسوب می‌شود. در این تحقیق از آزمون‌های توصیفی و استنباطی آماری با استفاده از نرم افزار spss16 استفاده شده است و مقدار خطای در نظر گرفته شده در تمامی آزمون‌ها ۵ درصد است.

عدد تقریبی ۴ میلیون دانشجو که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در کشور وجود دارد (سایت مرکز آمار، ۱۳۹۱) و از روش کوکران و مقدار دقت (d) ۲ درصد استخراج شد. این عدد بر اساس مباحث گفته شده ۲۴۰۰ است. برای توزیع بهتر از روش جغرافیایی استفاده شد که چهار استان تهران، زنجان، اصفهان و یزد به صورت تصادفی از میان کلیه استان‌های کشور انتخاب شدند و ۲۵۰۰ پرسشنامه بین دانشجویان در دانشگاه‌ها و رشته‌های مختلف (جدول ۳) به صورت تصادفی طبقه بندی شده - یعنی بر اساس تعداد دانشجو در هر استان، دانشگاه و رشته- بین دانشجویان سال تحصیلی ۹۱-۹۲، این استان‌ها تقسیم شد که تعداد ۲۲۳۷ پرسشنامه بازگردانده شد و از این میان ۲۰۳۵ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. گستردگی توزیع پرسشنامه به علت هدف تحقیق برای بررسی نظرات بر اساس طیف گسترده متغیرهای کنترل جمعیت شناختی و قابلیت تعمیم تحقیق به کلیه دانشجویان کشور بوده است. ابعاد کلی پرسشنامه دارای دو بخش عوامل جمعیت شناختی و موانع مورد نظر بوده است. عوامل زمینه‌ای با بررسی مقالات و در چهار سطح؛ شخصی، دانشگاهی،

یافته های پژوهش

الف) بررسی کلی آمار توصیفی

در ابتدا برای روشن شدن نمونه استخراجی برخی از شاخص های دموگرافیک بررسی می شود قابل ذکر است درصد های موجود اغلب با نسبت های موجود در سایت های مختلف در زمینه مباحث جمعیت شناختی دانشجویان مثل سالنامه کشوری ۱۳۹۱ مرکز آمار (سایت مرکز آمار، ۱۳۹۱) مطابقت و اختلاف های کمی با نسبت های موجود در این زمینه دارد.

ب) تحلیل آمارهای استنباطی

در ابتدا با انجام آزمون تی تک نمونه ای مشخص شد که همه موانع در نگرش دانشجویان مورد بررسی دارای نقش بالاتر از میانگین در تحقیق بوده اند. چرا که همه مقادیر معناداری برای این آزمون ۰/۰۰۰ بوده است. علاوه بر این بیشترین میانگین در مجموعه نمونه ها مربوط به کمبود حمایت ها و تسهیلات مالی (میانگین ۵/۴۶) و کمترین میانگین نیز به شاخص ترس از شکست (۴/۴۲) مربوط بوده است. برای بررسی نقش متغیرهای دموگرافیک در رتبه بندی موانع کارآفرینی، از آزمون فریدمن برای هر مؤلفه و ابعاد آن استفاده شد. قابل ذکر است که مقدار ۰/۰۰۰ در میزان معناداری تمامی آزمون های فریدمن، نشان از تفاوت معنادار بین میانگین موانع در هر مؤلفه مورد بررسی دارد. در ادامه، ابتدا به رتبه کلی موانع در بین دانشجویان و سپس بر اساس مؤلفه های دموگرافیک پرداخته می شود.

الف. رتبه های موانع در رویکرد کلی

همانطور که در جدول پیوست دیده می شود، از نظر دانشجویان کشور مهم ترین موانع موجود برای کارآفرینی؛ کمبود حمایت ها و تسهیلات مالی، سرمایه ناکافی برای شروع و عدم همخوانی بین آموزش های دانشگاهی و مهارت های عملی است و از طرفی کم اهمیت ترین موانع؛ ترس از رقابت، ضعف در حمایت های خانواده، دوستان و دیگران و کمبود مهارت های خلاقیت گونه است.

ب. متغیرهای دموگرافیک و تفاوت در رتبه بندی موانع

اولین متغیر مورد بررسی جنسیت بوده است، همانطور که دیده می شود تفاوت کمی بین رتبه های این دو دسته با هم و با رتبه کلی دیده می شود. مهم ترین تفاوت این دو گروه را

می توان در موانعی چون؛ فقدان آموزش و مهارت های لازم، برنامه ریزی ضعیف در دانشجویان، وجود ریسک بیش از مقدار مورد انتظار (محافظه کاری زیاد)، امید برای داشتن یک کار بی دردسر و کمبود تجهیزات و تکنولوژی که مردها این موانع را مهم تر می دانند و دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی و فقر فرهنگ عمومی در مورد کارآفرینی که زن ها آن را مهم تر دانسته اند. در مورد تفاوت این متغیر با رتبه کلی هم دیده می شود، که برنامه ریزی ضعیف در دانشجویان در نگاه زنان مانع کم اهمیت تر و کمبود تحقیقات بازار از نگاه زنان و مردان مانع پر اهمیت تری نسبت به رتبه کلی محسوب می شود.

متغیر بعدی قومیت دانشجویان بود که تفاوت های جالبی بین آن ها و همچنین در مقایسه با رتبه بندی کلی دیده می شود. تغییر رتبه های اول از نگاه چهار قومیت اصلی مورد بررسی، از نکات قابل تأمل است، در حالی که قومیت های فارس و ترک سرمایه ناکافی، برای شروع را مهم ترین مانع برای کارآفرینی می دانند، قومیت های لر و کرد کمبود حمایت ها و تسهیلات مالی را مهم ترین مانع بحساب می آورند. در بین قومیت ها، رتبه های حاصل، از نظر قومیت لر تفاوت زیادی با رتبه های کلی دارد. در حالی که قومیت فارس عدم ثبات سیاسی و وجود راهکارهای سرمایه گذاری با سود بیش تر (بورس، بانک ها و مسکن، طلا و ...) مهم تر از قومیت های دیگر می دانند، قومیت ترک مباحثی چون فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران، کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری را مهم تر و موانعی چون فقدان تجربه کاری و وجود ریسک بیش از مقدار مورد انتظار را دارای اهمیت کمتری نسبت به قومیت های دیگر دانسته اند. در میان قوم لر- همانطور که قبلاً اشاره شد- تفاوت های زیادی در رتبه بندی های ایجاد شده است. مواردی چون فقدان اطلاعات، دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی و برنامه ریزی ضعیف، در دانشجویان لر، به عنوان عوامل مهم تر و مشخص نبودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آینده، بوروکراسی اداری و فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی به عنوان عوامل کم اهمیت تر توسط آن ها اشاره شده است. با همین نگاه کردها موانعی چون؛ کمبود تجهیزات و تکنولوژی، کمبود مهارت های خلاقیت گونه و ضعف در حمایت های خانواده، دوستان و دیگران، اهمیت بیش تری دارد و موانعی چون؛ موانع قانونی برای راه اندازی یک تجارت و دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد

ضعیف در دانشجویان رتبه کم‌تری نسبت به رتبه کل دارند. مؤلفه بعدی **شغل پدران** است که به ترتیب بر اساس شاغل در بخش خصوصی، بخش دولتی و خوداشتغال دسته بندی شده است. دانشجویان با شغل پدران در بخش خصوصی، رتبه‌های کم‌تری به موانعی چون برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان، وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر و فقر فرهنگ عمومی در مورد کارآفرینی داده‌اند و از طرفی دیگر رتبه‌های بالاتری را به مواردی چون فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران و مشخص نبودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آینده قائل شده‌اند. در رتبه‌بندی دیگر، دانشجویان با داشتن پدرانی در شغل‌های دولتی موانعی چون؛ عدم ثبات سیاسی، کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه، کمبود تجهیزات و تکنولوژی و کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری را در رتبه بالاتری نسبت به رتبه کل قرار داده‌اند، از طرفی در مواردی چون عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی، فقدان تجربه کاری، وجود ریسک بیش از مقدار مورد انتظار و امید برای داشتن یک کار بی دردسر در رتبه پایین‌تری نسبت به رتبه کل قرار می‌گیرند. برای دانشجویان با پدران خود اشتغال نکته جالب، نزدیکی بسیاری از رتبه‌ها به رتبه کل است. فقط در زمینه فقدان آموزش و مهارت‌های لازم و فقدان تجربه کاری، رتبه کم‌تری برای آن‌ها قائل شده‌اند. برای **تقسیم‌بندی سن** محوریت بر ۳۰ سال قرار گرفت چرا که انتظار تفاوت در دسته‌بندی سنین دیگر وجود نداشته است. برای دانشجویان کم‌تر از ۳۰ سال تفاوت عمده‌ای در رتبه بندی هیچ یک از موانع با رتبه‌بندی کلی وجود نداشت، اما برای دانشجویان بیش از ۳۰ سال، اهمیت پیدا کردن موانعی چون؛ عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی، فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران و ضعف در حمایت‌های خانواده، دوستان و دیگران از نکات جالب در تفاوت این افراد با رتبه کلی است. از نگاه دیگر، آن‌ها رتبه‌های کم‌تری برای عدم ثبات سیاسی، سرمایه ناکافی برای شروع، دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی و امید برای داشتن یک کار بی دردسر قائل شده‌اند. مؤلفه نهایی تحقیق، **رشته تحصیلی دانشجویان** و دیدگاه آن‌ها به موانع بوده است. نتایج نشان می‌دهد کم‌ترین تغییر رتبه نسبت به میانگین را دانشجویان علوم انسانی و بیش‌ترین را دانشجویان رشته هنر داشته‌اند. در علوم انسانی‌ها کمبود تجهیزات و تکنولوژی رتبه بهتری را کسب کرده و کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری و

حقوق مالکیت خصوصی از دیگر قومیت‌ها کم اهمیت‌تر است. در مورد سایر مؤلفه‌های جمعیت شناختی در مجموع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛ **تحصیلات**، دانشجویان دکتری سرمایه ناکافی برای شروع و فقدان آموزش و مهارت‌های لازم را مهم‌ترین موانع دانسته‌اند، اما فقدان آموزش و مهارت‌های لازم برای کارشناسی‌ها و ارشدها رتبه کم اهمیت‌تری را کسب کرده است. از طرف دیگر کارشناسی‌ها موانعی چون کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری و فقدان تجربه کاری را مهم‌تر می‌دانند، اما دانشجویان دکتری این دو را در رتبه بسیار پایینی در نظر دارند. در مورد **نوع دانشگاه** و تفاوت بین رتبه‌بندی‌ها، دیده می‌شود که بیش‌ترین تفاوت رتبه با میانگین را دانشجویان غیرانتفاعی داشته‌اند. برای دانشجویان دانشگاه آزاد موانعی چون کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری اهمیت کم‌تری دارد، برای سراسری‌ها کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه این شرایط را داراست، برای غیرانتفاعی موانعی چون موانع قانونی برای راه‌اندازی یک تجارت، برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان، فقدان اطلاعات و وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر و ترس از رقابت از رتبه بالاتری برخوردار هستند. از نکات جالب در این بین، افزایش اهمیت ترس از رقابت است. از طرف دیگر برای همین دانشجویان، عدم ثبات سیاسی، مشخص نبودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آینده، سرمایه ناکافی برای شروع، فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران و فقر فرهنگ عمومی در مورد کارآفرینی از رتبه بسیار کم‌تری نسبت به میانگین برخوردار است. دانشجویان پیام نور رتبه بیش‌تری به موانعی چون کمبود تحقیقات بازار، موانع قانونی برای راه‌اندازی یک تجارت، فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی و ترس از شکست داده‌اند، در حالی که رتبه کم‌تری برای مواردی چون بوروکراسی اداری، عدم ثبات سیاسی، فقدان اطلاعات و برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان قائل بوده‌اند. در انتهای لیست دانشگاه‌ها، دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی قرار دارند که دیده می‌شود موانعی چون؛ بوروکراسی اداری و فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران در رتبه‌های اول از نگاه آن‌ها قرار دارد. علاوه بر این در نگاه آن‌ها موانعی چون کمبود تجهیزات و تکنولوژی و امید برای داشتن یک کار بی‌دردسر بشدت رتبه بالاتری نسبت به رتبه در کل دارد و همچنین عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی، وجود ریسک، بیش از مقدار مورد انتظار، وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر و برنامه‌ریزی

فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی در رتبه پایین تری قرار داده‌اند. از نگاه فنی و مهندسی‌ها موانعی چون؛ وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر و کمبود تجهیزات و تکنولوژی، کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری و فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی رتبه بالاتری را کسب می‌کند و از طرفی فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران، عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی و دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی در رتبه‌های پایین تری نسبت به رتبه‌های کل قرار می‌گیرند. در دانشجویان پزشکی کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه، فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی و فقدان تجربه کاری را در رتبه بالاتری قرار داده‌اند و از نگاه خود رتبه پایین تری برای کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری، وجود ریسک بیش از مقدار مورد انتظار، مشخص نبودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آینده و وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر، قائل شده‌اند. دانشجویان علوم پایه رتبه بالاتری را برای موانع قانونی برای راه‌اندازی یک تجارت، کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه و وجود ریسک بیش از مقدار مورد انتظار نسبت به رتبه کلی قائل هستند و همچنین رتبه کم‌تری برای عدم ثبات سیاسی، برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان و امید برای داشتن یک کار بی دردسر قائل شده‌اند. در همین راستا دانشجویان هنر رتبه‌های بالاتری را برای مواردی چون؛ ترس از شکست، برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان، کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه، امید برای داشتن یک کار بی دردسر در نظر گرفته‌اند و از طرف دیگر، برای موانعی چون؛ فقدان آموزش و مهارت‌های لازم، دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی و عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی رتبه‌های پایین تری را مورد نظر قرار داده‌اند. در مجموع نتایج کل رتبه‌بندی‌ها در جدول پیوست مقاله آمده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در ادبیات ارائه شد، محیط کارآفرینی می‌تواند عامل مؤثری بر نگرش و عملکرد کارآفرینی باشد. رتبه‌بندی عوامل محیطی از نگاه دانشجویان و با محوریت تفاوت این رتبه‌ها بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی و زمینه‌ای چون مؤلفه‌های دانشگاهی، شخصی و خانوادگی از اهداف اصلی این تحقیق بوده است. در این راستا رتبه‌بندی کلی موانع کارآفرینی نشان از اهمیت بالای موانعی چون کمبود حمایت‌ها

و تسهیلات مالی، سرمایه ناکافی برای شروع و عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی است. در مورد موانع کم اهمیت‌تر، باید به موانعی چون؛ ترس از شکست، کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه، ضعف در حمایت‌های خانواده، دوستان و دیگران و ترس از رقابت اشاره کرد که این عوامل در اغلب دسته‌بندی‌ها نیز رتبه پایین خود را حفظ کرده است. در همین رتبه‌بندی کلی و با نگاهی موشکفانه‌تر، می‌توان گفت که مهم‌ترین مانع موجود برای دانشجویان عدم اطمینان و اعتماد به محیط مالی و آموزشی، بخصوص رویکردهای دولتی موجود، است. این مبحث در حالی مطرح می‌شود که به توانایی خود و حمایت اجتماعی در این راستا و تهیه تجهیزات و منابع مورد نیاز، اعتماد لازم را دارند. در مقایسه با تحقیقات قبلی، می‌توان این نتیجه را با تحقیق جعفری مقدم و همکاران (۱۳۹۰) که اشاره می‌کنند در بُعد خودباوری دانشجویان عوامل بازدارنده خاصی مشهود نیست، یکسان دانست. همچنین در تحقیق دیگری اشاره شده است که دانشجویان مشکلات تأمین سرمایه، سیاست‌های دولت را از مهم‌ترین مشکلات برای راه‌اندازی کسب و کار می‌دانند (جوادیان صراف و شجاع، ۱۳۸۸). همین نتیجه در تحقیق رضوی و دیگران نیز دیده می‌شود، آن‌ها اشاره می‌کنند که در مجموع دانشکده‌های کشاورزی ایران، به ترتیب عوامل، موانع آموزشی، فردی- شخصی و حمایتی - قانونی را از مهم‌ترین موانع از منظر دانشجویان به حساب می‌آورند (رضوی و دیگران، ۱۳۹۱). یا در تحقیقی دیگر رتبه‌بندی عوامل نشان از، در صدر بودن مواردی چون ترس از عدم توانایی در تأمین مالی و ترس از شکست مالی دارد (انصاری و فکور، ۱۳۹۲). در کل به نظر می‌رسد از موانع موجود در تحقیقات دیگر هم این نکته می‌تواند استخراج شود که محیط مالی کنونی در کشور، مانع بسیار بزرگی در نگرش و رفتار کارآفرینانه محسوب می‌شود و پیشنهاد مشخص در این مورد اینکه در این زمینه باید حمایت‌های مالی به صورت گسترده‌تر و دقیق‌تر از کارآفرینان انجام گیرد تا نگرش دانشجویان بر اساس این حمایت‌های مالی در مورد موانع موجود تغییر کند. برای تأیید این پیشنهاد می‌توان به درگیری بالای کشورهای آلمان و فرانسه در تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط اشاره کرد که به ترتیب مقدار ۱۹۹ و ۱۲۷ هزار دلار به صورت میانگین به این شرکت‌ها وام می‌دهند (کریستنسن^۱ و همکاران، ۱۹۹۹). در ۱۹۹۹. در تحلیل متغیرهای زمینه‌ای و بر اساس رتبه‌های استخراج شده و تفاوت‌های آن‌ها با رتبه کلی می‌توان

جمع‌بندی کلی را برای هر یک داشت. از نظر تعداد و شدت تغییرپذیری در رتبه‌ها، در جنسیت، تفاوت بسیار زیادی بین مردان و زنان دیده نشد. اما در بین قومیت‌ها؛ قوم لر، در میزان تحصیلات؛ دانشجویان دکتری، در بین دانشگاه‌ها؛ غیرانتفاعی‌ها و برای شغل پدر و نوع رشته؛ پدران با شغل دولتی و دانشجویان هنر تفاوت زیادی در رتبه‌بندی خود نسبت به بقیه، در گروه مورد نظر داشته‌اند. وجود تفاوت‌های شدید در نگرش این گروه‌ها به موانع کارآفرینی نشان از اهمیت توجه به تفاوت‌های نگرشی به موانع در تصمیم‌گیری‌ها دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران در این زمینه نیز تحقیقات لازم را انجام و توجهات بیش‌تری داشته باشند. در مورد میزان تغییرپذیری بر اساس موانع در بین تقسیم‌بندی‌های اشاره شده، می‌توان به موانعی چون؛ فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی، وجود ریسک بیش از مقدار مورد انتظار، دولتی بودن اقتصاد و عدم رشد حقوق مالکیت خصوصی و وجود راهکارهای سرمایه‌گذاری با سود بیش‌تر (بورس، بانک‌ها و مسکن، طلا و...) اشاره کرد که می‌توانند جزء موانعی باشند که برنامه‌ریزی بیش‌تری برای تثبیت نگاه دانشجویان برای آن‌ها را می‌توان پیشنهاد کرد.

در بررسی تحلیلی‌تر از نتایجی که در تفاوت بین مؤلفه‌های کنترلی تحقیق بدست آمده است، می‌توان نتایج کلی‌تری را نیز گرفت. عدم تفاوت زیاد در بین زن‌ها و مردها بالعکس متغیرهای دیگر، نشان از نهادینه شدن نگرش در مورد محیط موجود برای کارآفرینی در بین دانشجویان زن و مرد دانست، به نحوی که در مجموع تفاوت دیدگاه شدید بین این دو گروه در این زمینه دیده نمی‌شود. در مورد قومیت‌ها توجه به نگاه قومیت‌های ترک و فارس که بنظر می‌رسد رویکرد مالی مستقلی را در مورد کارآفرینی قائل هستند در مقایسه با قومیت کرد و لر که رویکرد حمایتی را بیش‌تر مدنظر قرار می‌دهند، جالب است. این رویکرد در تغییر رتبه اول موانع بین این دو گروه مشخص است. البته تحلیل این تفاوت را می‌توان از محیطی دانست که تا کنون برای این دو گروه در ایران حاکم بوده است، در اکثریت بودن قوم فارس و ترک و همچنین کم‌تر بودن قوم لر و کرد می‌تواند بر این نتیجه تأثیر گذار بوده باشد. در مورد سطح تحصیلات دیده می‌شود که موانعی چون فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی، فقدان آموزش و مهارت‌های لازم و مشخص نبودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آینده با افزایش تحصیلات، رتبه بالاتری را کسب کرده و بالعکس بوروکراسی اداری، فقدان تجربه کاری، کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب

شریک تجاری، موانع قانونی برای راه‌اندازی یک تجارت و کمبود تجهیزات و تکنولوژی، رتبه کم‌تری پیدا کرده است. بر اساس این تغییر رتبه می‌توان نتیجه گرفت افراد در مقاطع بالاتر نقش فرهنگ کارآفرینی، آموزش مناسب و کاربردی و ثبات اقتصادی و اجتماعی را مهم‌تر تلقی کرده و با توجه به شناخت بیش‌تری که از محیط خود کسب کرده‌اند دارای چنین نگرشی شده‌اند. از طرفی دیگر، بخاطر افزایش تجربه و شبکه‌های اجتماعی، موانع تجربی، قانونی و تجهیزاتی را در اولویت پایین‌تری می‌بینند. با این نتیجه می‌توان پیشنهاد کرد که برای سطوح مختلف تحصیلاتی و در راستای گسترش رویکرد کارآفرینی دغدغه‌های هدفمندتری از این سطوح تحصیلی مدنظر قرار گیرند و آموزش‌های مناسبی بر این اساس طراحی و ارائه شود. وجود تفاوت زیاد بین نوع دانشگاه در رتبه‌بندی موانع کارآفرینی نیز از موارد دیگری است که می‌تواند سیاستگذاری‌های متفاوتی را لازم سازد. مثلاً دیده می‌شود در دانشگاه‌های آزاد و غیر انتفاعی سرمایه ناکافی اولویت پایین‌تری پیدا می‌کند که می‌تواند به خاطر سطح درآمدی خانواده‌ها باشد و یا در دانشگاه‌های علمی-کاربردی و غیر انتفاعی، مانع مهمی چون عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی بشدت دچار تنزل رتبه می‌شود. پر اهمیت شدن مانعی چون ترس از شکست در بین دانشجویان غیرانتفاعی که در همه رتبه‌بندی‌ها، رتبه آخر را دارد در نوع خود جالب به نظر می‌رسد. در این متغیر توجه سیاستگذاران به تفاوت رتبه عواملی چون موانع قانونی برای راه‌اندازی یک تجارت، فقدان بینش در مورد کسب و کار یا خود اشتغالی، برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان، کمبود تجهیزات و تکنولوژی و فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران بیش‌تر پیشنهاد می‌شود، چرا که تفاوت‌های بیش‌تری در این موانع بین دانشگاه‌ها دیده می‌شود. با رویکرد شغل پدر نیز تفاوت‌های قابل تأملی در بین دانشجویان دیده می‌شود. دانشجویان با پدران خود اشتغال و در بخش خصوصی بخاطر تجربه‌ای که از شغل پدر پیدا کرده‌اند، رتبه کم‌تری به مانع، فقدان آموزش و مهارت‌های لازم داده‌اند. اما در بین دانشجویانی که پدر شاغل در بخش دولتی داشته‌اند تفاوت‌های زیادی در مواردی چون عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی، عدم ثبات سیاسی، فقدان تجربه کاری، کمبود اعتماد در جامعه به خصوص برای انتخاب شریک تجاری، محافظه کاری زیاد و کمبود مهارت‌های خلاقیت‌گونه دارند که با توجه به زیاد بودن تعداد این دانشجویان در حال حاضر و تفاوت‌های ماهیتی که در

میانگین نیز در نوع خود جالب است.

در مجموع پیشنهاد کلی تحقیق توجه به تفاوت‌های دیدگاهی دانشجویان در متغیرهای مختلف و ارائه سیاست‌های متنوع برای تسهیل نگرش کارآفرینی بین دانشجویان کشور است. علاوه بر این دیده شد که تغییرات در رتبه بسیاری از موانع در بیش‌تر شاخص‌ها قابل تأمل است که همین تفاوت درونی می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب تبدیل به انتقال نگرش‌ها شود. یعنی با استفاده از همین تفاوت‌ها و ایجاد ابزار تسهیم دانش بین دانشجویان، می‌توان رویکردهای مختلف را به نحوی نشر داد و آگاهی بیش‌تری در جامعه مورد نظر ایجاد کرد. برای مثال افراد با سن بیش‌تر کم‌تر مباحث بوروکراتیک، عدم ثبات سیاسی، دولتی بودن اقتصاد را مهم دانسته و همین امر می‌تواند با انتقال به افراد کم تجربه از مانع بودن آن بکاهد و نگرش امیدوارانه‌تری به نگرش دانشجویان کم تجربه منتقل سازد. شاید بسیاری از تحقیقات بر اهمیت کارآفرینی و ارتقاء آن در بین دانشجویان پافشاری کرده باشند، ولی رویکرد عملیاتی این مقاله می‌تواند در سیاستگذاری‌های آموزشی در حین تحصیل و توجه به نگرش‌های دانشجویان و برنامه‌ریزی برای آن بعد از زمان تحصیل مفید واقع شود.

نگرش آن‌ها با دو گروه دیگر دارند، برنامه‌های مناسبی برای تغییر در نگرش‌ها و دستیابی به رویکردی کارآفرینانه محور در آن‌ها نیاز است. عامل سن که می‌تواند نشان از تجربه کاری بیش‌تر دانشجو نیز تفسیر شود، از جمله متغیرهایست که توانسته تغییرات عمده‌ای در برخی متغیرها ایجاد کند، از جمله اینکه افراد با سن بالاتر بشدت بر اهمیت بیش‌تر موانعی چون؛ فقدان سازوکارهای حمایتی در مواقع بحران، ضعف در حمایت‌های خانواده، دوستان و دیگران و عدم همخوانی بین آموزش‌های دانشگاهی و مهارت‌های عملی تأکید دارند. به طور کلی سن بالاتر، از اهمیت ایرادهای سیاست‌های دولتی کاسته و بر مشکلات فرهنگی و آموزشی بیش‌تر تأکید کرده است. همین تفاوت می‌تواند در تدوین رویکردهای سیاستگذاری مناسب برای دانشجویان با سن و تجربه بالاتر مفید باشد. در مورد آخرین متغیر یعنی رشته تحصیلی نیز همانطور که انتظار می‌رفت بیش‌ترین تفاوت در بین دانشجویان هنر بوده است که در بسیاری از موانع، نظری متفاوت را داشته‌اند. در این بین، مواردی چون برنامه‌ریزی ضعیف در دانشجویان، ترس از شکست و فقدان آموزش و مهارت‌های لازم از مهم‌ترین تفاوت‌های آن‌ها در نگرش به موانع است. در این میان تفاوت کم دانشجویان رشته‌های علوم انسانی در رتبه‌بندی آن‌ها از

منابع

۱. امیری، مجتبی؛ زالی، محمدرضا؛ مجد، مهدی (۱۳۸۸). محدودیت‌های راه اندازی کسب و کارهای نوظهور. *مجله توسعه کارآفرینی*. شماره سوم، ۱۰۲-۸۱.
۲. انصاری، محمدتقی؛ فکور، بهمن (۱۳۹۲). بررسی عوامل ضد انگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان ایرانی در تاسیس بنگاه کارآفرینانه. *فصلنامه مدیریت توسعه فناوری*. شماره ۱. ۱۴۸-۱۳۳.
۳. حیدری، احمد (۱۳۸۸). سنجش و بهبود محیط کسب و کار. *ماهنامه ستبران*. شماره ۵۵. ۳۱-۲۲.
۴. رضوی، سید مصطفی؛ فلاح حقیقی، نگین؛ رضوانفر، احمد؛ کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران (از دیدگاه دانشجویان). *مجله مدیریت دولتی*. دوره ۴، شماره ۱۰، ۷۸-۵۹.
۵. زالی، محمدرضا؛ رضوی، سید مصطفی (۱۳۸۷). پژوهشی در زمینه موانع توسعه کارآفرینی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
۶. سایت مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، *سالنامه آماری کشور*. <http://salnameh.sci.org.ir>
۷. جعفری مقدم، سعید؛ زالی، محمد رضا؛ جلیل زاده، مریم؛ (۱۳۹۰). عوامل بازدارنده قصد کارآفرینانه دانشجویان: مورد مطالعه دانشگاه تهران، *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۲۵ و ۲۶، ۵۱-۲۷.
۸. سلجوقی، خسرو (۱۳۸۸). فرهنگ کارآفرینی، کارآفرینی فرهنگی: اهمیت، ضرورت و جایگاه. *نشریه علوم اجتماعی*. شماره ۲۳، ۷۵-۵۸.
۹. شفیع، مسعود؛ شقاقی، عبدالرضا (۱۳۸۲). *افزایش مشارکت مؤثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط*. چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

10. Aristidis, B. & Nito, E. (2005). Obstacles to entrepreneurship in a transition business environment: the case of Albania, *Journal of Small Business and Enterprise Development*. Vol.12, No4, Pp. 564-578.
11. Carroll, G. R., & Khessina, O. M. (2005). *The ecology of entrepreneurship*. New York: Springer.
12. Christensen, J L. Jackson, S. Riding, A. Mensah, S & L (1999). Guarantee Schemes in Six Countries. Denmark government report.
13. Finnerty, J. F. & Krzystofik, A. T. (1985). Barriers to small business formation. *Journal of Small Business Management*. Vol.23, No.3, Pp.50-58.
14. Gnyawali, D., & Fogel, D. (1994). Environments for entrepreneurship development: Key dimensions and research implications. *Entrepreneurship: Theory & Practice*. Vol.18, No4, Pp. 43-62.
15. James, B. & Yago, G. & Zeidman, B. (2006). *Barriers to Entrepreneurship in Emerging Domestic Markets: Analysis and Recommendations*, Milken institute.
16. Martins Susana, (2004), *Barriers to entrepreneurship and business creation*, European Entrepreneurship cooperation.
17. McMullen, J.S., Dean, T.J. (2007). Toward a Theory of Sustainable Entrepreneurship, Reducing Environmental Degradation through Entrepreneurial Action, *Journal of Business Venturing*. Vol. 22, Pp 50-76.
18. Olufunso, F. O. (2010). Graduate Entrepreneurial Intention in South Africa: Motivations and Obstacles. *International Journal of Business and Management*, Vol.5, No.9, Pp. 87-98.
19. Peters, T.J., & Waterman, R.H. (1982). *In search of excellence*. New York: Harper & Row.
20. Robertson, M. et al. (2003). Barriers to start-up and their effect on aspirant entrepreneurs. *Education & Training*, Vol. 45, No.6, Pp.308-317.
21. Shane, S. (2003). *A General Theory of Entrepreneurship*, Edward Elgar Publishing. Terpstra, D. E. & Olsen, P. D. (1993). Entrepreneurial Start-up and Growth: A Classification of Problems. *Entrepreneurship Theory and Practice*. Pp. 5-19.
22. Shane, S. & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*. Vol.25, No.1, Pp 217-226.
23. Thornton, P. (1999). The sociology of entrepreneurship. *Annual Review of Sociology*. Vol.25, No.1, Pp. 19-26.
24. Van Auken, H. E. (1999). Obstacles to business launch, *Journal of Developmental Entrepreneurship*, Vol.4, No.2, Pp. 175-188.
25. Wasswa, K. I. & Heintze, A. & Byabashaija, W. (2013) *Environmental factors and graduate start up in Uganda*. www.whitman.syr.edu/programs-and-academics.
26. Zhon, X. (2007). Research on Entrepreneurial Environment Assessment Method, *Proceedings of the International Conference on Management of Technology*, Taiyuan. Pp. 544-548.

